



کاربرد کنایی ضرب المثل‌های بیرجندی

گردآوری و تألیف

دکتر محمد اسماعیل حنفی بجد

سرشناسه : حقی، محمد اسماعیل ۱۳۲۰
عنوان و نام پدیدآور : کاربردکنایی ضرب المثل‌های بیرجندی/ گردآوری و تألیف: محمد اسماعیل حقی بجد.

مشخصات نشر : بهران : محراب فکر ، ۱۳۹۰
مشخصات طاهری : ۹۴ ص. ۱۴/۵ در ۲۱/۵ سن م.
شابک : ۱۸۰۰۰ ریال : 978-964-2520-36-7
وضعیت فهرست نویسی : فبا
موضوع : ضرب المثل‌های بیرجندی
موضوع : بیرجندی -- اصطلاح ها و تعبیرها
رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ج ۹۵ / PIR ۳۰۲۲
رده بندی دیویی : فا ۳۹۸/۹
شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۹۹۶۷۵



کاربرد کنایی ضرب المثل‌های بیرجندی

مؤلف : دکتر محمد اسماعیل حقی بجد

ناشر : محراب فکر

تلفن : ۰۹۱۲۶۲۲۰۶۶۲

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۰

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی : گلرو

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۲۰-۳۶-۷

قیمت : ۱۸۰۰۰ ریال

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

۷		مقدمه مؤلف
۱۱		القبای آوانگاری
۱۳		آ
۲۶		ب
۳۰		ب
۳۳		ن
۳۶		ج
۳۷		ج
۳۹		ح
۴۱		خ
۴۶		د
۵۲		ز
۵۵		س
۵۹		ش
۶۰		ص
۶۱		ع
۶۱		ف
۶۳		ک
۶۵		ک
۶۷		ل
۶۸		م

۷۴		ن
۷۶		و
۷۷		هـ
۸۰		ی
۸۳		اصطلاحات
۸۹		تفصیل و تشبیه
۹۳		جمله‌های دعایی

www.ketab.ir

چکیده

ضرب المثل ها ، عبارات یا اشعار یا مصراع هایی هستند که در میان مردم به عنوان مفاهیم اجتماعی - اخلاقی قابل قبول رواج دارند. ضرب المثل های روستایی ما برگرفته از محیط زندگی مادی و معنوی روستاست که تحت تأثیر اعتقادات و مشاغل مردم است به همین جهت از روی ضرب المثل ها می توان وضع روستا یا شهر را به درستی شناخت. با دقت در کاربرد ضرب المثل ها به این نتیجه رسیدم که ضرب المثل های روستایی ما اغلب «گزنده» و «خشن» است به ویژه اگر گوینده معنای کنایی را در نظر داشته باشد. هر ضرب المثل معمولاً دو معنی دور و نزدیک دارد، یکی جنبه ظاهری که هر کلمه در معنای اصلی خود به کار رفته باشد و دیگری جنبه کنایی و طنز آلود آن است و هر دو هم قابل توجیه اند.

در این مجموعه، ضرب المثل های بیرجند و روستاهای نزدیک گردآوری و به ترتیب الفبایی مرتب شده است و تا حد امکان جنبه کنایی آنها بیان گردیده است که تقدیم دوستان و فرهنگ مردم می شود.

کلید واژه ها: ضرب المثل، فرهنگ مردم، بیرجند، کنایه، طنز.

مقدمه

ضرب المثل ها در قالب عبارات کوتاه، معمولاً آهنگین یا اشعار و مصراع هایی بیان می شود و در میان اکثر قریب به اتفاق مردم هم زبان مفهوم است. ضرب المثل های روستایی ما برگرفته از محیط زندگی و عادات و آداب و رسوم همان محیط ساده روستایی است، سادگی بیان، بی پروایی در گفتن هر کلمه ای بدون این که قصد بی ادبی باشد، از ویژگی های کلام روستایی است.

اما تأثیر شغل و محیط را در ضرب المثل ها به این ترتیب می توان بیان کرد که چون در بیشتر روستاهای ما، کار مردم کشاورزی و دامداری است، آن هم کشاورزی به شیوه سنتی و قدیمی که ناگزیر مستلزم داشتن و بهره بر گرفتن از خر و گاو و گوسفند است، خواهی نخواهی این کلمات در گفتارشان بیشتر از شهر نشینان نمود پیدا می کند. یکی از ضرب المثل های روستایی که جلب توجه می کند و چگونگی زندگی آنها را مشخص می کند این است که می گویند: «مردم گو بند و خربندنده یا مردم گاوبند و خربند هستند» که نشان دهنده وضع زندگی و محیط تربیتی شان است و ضرب المثل هم ساخته

و پرداخته مردمی است که با این جانوران سر و کار دارند. کلمه «خربنده» یا «گاوبنده» به معنی کسی است که خر و گاو را می‌بندد یا تیمار داری‌شان می‌کند. در بعضی آثار ادبی اصطلاح «خربنده» آمده است. چنان که مولوی می‌گوید:

روزی یکی همراه شد با بایزید اندر رهی
پس بایزیدش گفت: چه پیشه گزیدی ای دغا
گفتا که من خربنده ام، پس بایزیدش گفت رو
یا رب خرش را مرگ ده تا او شود بنده خدا

(ج ۱ غزل شماره ۳)

دکتر سیروس شمیسا در توضیحات این دو شعر نوشته است:

خربنده، کسی که خر به کرانه می‌دهد و یا کارش خرید و فروش خر و یا تیمار آن است. (تا اینجا به پژوهش ما مربوط می‌شود) و ادامه سخن شمیسا: خر در کلمات صوفیه اشاره به تن است (خر عیسی) و در مقابل «عیسی» که اشاره به زوج است. یعنی گفت: من خربنده (بنده خر) هستم. بایزید گفت: خداوند اِخرا را بکشد تا او بنده خدا (خدا بنده) شود. (سیروس شمیسا، ۱۳۶۴: ۷۸) (گزیده غزلیات مولوی: ۷۸)

آنچه از شعر مولوی و توضیح دکتر شمیسا استنباط می‌شود این است که معنی دو پهلوی «خربنده» مورد توجه هست، چنان که گفته شد «خربنده» یا «گاوبنده» یعنی کسی که خر و گاو را می‌بندد نه کسی که «بنده خر» باشد، اما مولوی زیر کانه مابین این ابهام آمیز این اصطلاح را به کار گرفته است.

در اینجا یادآور می‌شوم که در بسیاری از روستاها وضع کشاورزی و دامداری در حال تغییر است و کم کم از وضع سنتی و قدیمی به وضع جدید و ماشینی تبدیل می‌شود و در آینده بسیاری از این ضرب المثل‌ها و تشبیهات عوض خواهد شد، اما در یک روستای کهن که با همان شیوه سنتی خود خو گرفته‌اند، روستایی بارها در روزهای بارانی دیده است که خرش در زمین بانلافی در گجل فرو رفته است و او ناچار شده است

برای بیرون آوردن خرش از دیگران کمک بگیرد. بنابراین ضرب المثل «خرش توی گل فرو رفته است» را همچون یک جمله خبری بازگو می‌کند و از حادثه‌ای که حقیقتاً اتفاق افتاده خبر می‌دهد. حال اگر برای کسی گرفتاری پیش آید که خود نتواند از آن رهایی پیدا کند و محتاج به کمک دیگران برای نجات از آن گرفتاری باشد، با توجه به شباهت موضوع می‌گوید: «فلانی مثل خر توی گل مانده است» در اینجا هم نمی‌توانیم بگوییم شخص را به خر تشبیه کرده است بلکه وجه شباهت در گرفتاری است.

هر ضرب المثل معمولاً دو معنی و دو کاربرد دارد، یکی جنبه ظاهری و حقیقی آن و دیگری جنبه کنایی آن است که هر دو هم قابل توجه‌اند. مثلاً در توجیه و تعبیر «بار کج به منزل نمی‌رسد» مفهوم ظاهری‌اش این است که اگر یک جوال (کیسه) گندم یا جو را کج پشت چارپایی بگذارند پس از مدتی که چارپا راه برود و جوال تکان بخورد، جوال خواهد افتاد و بار به منزل نخواهد رسید. اما در معنای کنایی‌اش باید گفت: هر کس کار خلافی بکند یا در صدد بیرنگ و حقّه‌بازی باشد موفق نخواهد شد. درک مفهوم ظاهری یا کنایی هر ضرب المثل بسته به این است که گوینده در چه شرایطی و با چه منظوری و یا با چه شیوه‌ای آن را بازگو کند.

در این پژوهش سعی شده است معانی کنایی هر ضرب المثل با نشانه «ک» نموده شود؛ به این صورت که ضرب المثل ابتدا با لهجه محلی با خط فارسی، بعد با خط لاتین آوا نگاری شود. در مرحله سوم صورت ادبی و کنایی آن ذکر شود و در مرحله چهارم، اگر معنای کنایی داشت نقل شود.

نکته تأمل برانگیزی که در ضمن گردآوری و تنظیم ضرب المثل‌ها به آن رسیدیم این است که لهجه روستایی ما «گزنده و خشن» است بخصوص در ضرب المثلها، آن هم وقتی که معنای کنایی ضرب المثل مورد توجه گوینده باشد که همه این موارد در توضیح ضرب المثلها آمده است. همچنین ضرب المثل‌های فراوانی با کلمات مستهجن هست که برای رعایت ادب از نقل آنها خودداری شده است.

آنچه در این مجموعه آمده است حاصل سالها دقت در گفتار مردم بیرجند و روستاهای اطراف بیرجند و ثبت و ضبط گفتگوی آنهاست. در بسیاری از موارد قلم و کاغذ با خود داشتم، هر سخن جدید یا ضرب المثلی را می‌شنیدم یادداشت می‌کردم. بعد با تأمل در ضرب المثل‌ها و به یاد آوردن ارتباط آنها با وضع زندگی و شغلی مردمان روستا، جنبه کنایی یا سخنان دویهلوی گویندگان را دریافتم که قبلاً برایم روشن نبود. شاید در جاهای دیگر هم این دو رویه بودن ضرب المثلها رایج باشد که مردم هر منطقه بهتر به آن آگاهی دارند. در ادبیات رسمی، ایهام و کنایه را نباید از نظر دور داشت که استادان شعر و ادب به کار می‌برند. اما در فرهنگ عامه چه کسی معنای کنایی به سخن داد برای ما روشن نیست. برای دسترسی آسان به هر سخن، در این مجموعه، ضرب المثلها به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است.

در پایان، جا دارد از زحمات آقای محمد برفی مدیر محترم انتشارات محراب فکر که به چاپ و نشر این مجموعه همت گمارده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم و توفیق روزافزون شان را آرزو کنم.

محمد اسماعیل حنفی